

تئوری مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در مطالعات حسابداری و حسابرسی

زهرا خیاط بهبهان^۱

چکیده

هدف از ارائه این پژوهش، بررسی یکی از رویکردهای پژوهش کیفی به نام رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد می‌باشد. هنگامی به سراغ استفاده از نظریه پردازی داده بنیاد می‌روید که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) از یک فرآیندهستید. در زمانی که نظریه‌های موجود، به مشکل موردنظر یا به مشارکت‌کنندگان در فرآیندی که در برنامه مطالعه خود دارید، نمی‌پردازند، نظریه پردازی داده بنیاد، یک نظریه، تولید می‌کند. از آنجا که این نظریه، در داده‌ها بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعاً کارآمد است، افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آن‌ها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعاً در فرآیند یافت می‌شود، نشان دهد. مطالعات متعددی برای توسعه نظریه حسابداری از مطالعات موردی وجود دارد. تئوری مبتنی بر گرند تئوری مجموعه‌ای از روش‌های متمایز برای توسعه چنین نظریه‌هایی را فراهم می‌کند و هنگام مطالعه حسابداری در زمینه اجتماعی بسیار مناسب است. در حقیقت، در بسیاری از رشته‌های اجتماعی، روش تحقیق کیفی مرسوم شده است. با این حال، محققان حسابداری توجه نسبتاً کمی داشته‌اند. به نظر می‌رسد که گرند تئوری همچنین یک سوء تفاهم بزرگ را ایجاد کرده است. این موضوع محقق جدید را به سمت گرند تئوری منتهی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: روش تحقیق کیفی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، رویکرد گرند تئوری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از لحاظ تاریخی، گرندد تئوری از مدرسه جامعه‌شناسی شیکاگو و توسعه تعامل‌گرایی نمادین در دوره ۱۹۲۰-۱۹۵۰ ظاهر شد (کندال، ۱۹۹۹). استراوس و کوربین هر دو مدرس و نظریه‌پرداز تعامل‌گرایانه نمادین به‌شدت از پارادایم کارکردگرایانه که در پایان قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم تحت سلطه جوامع جامعه‌شناختی بودند و به‌دنبال رویکردهای جایگزین بودند انتقاد کردند. جامعه‌شناسان بارنی گلیزر و آن سلم استراوس نخستین اصطلاح گرندد تئوری را به‌کار گرفتند. سؤال مطرح‌شده از سوی گلیزر و استراوس: چگونه کشف تئوری از داده‌ها به صورت سیستماتیک در تحقیقات اجتماعی به دست آمده و تحلیل می‌شود؟ (لیوهمکاران، ۲۰۱۷)

اگر به پیروی از دنزین و لینکلن مباحث مطرح شده در روش‌شناسی کیفی را به چهار عرصه پارادایم-ها و رهیافت‌ها، استراتژی‌ها، روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و درنهایت، روش‌های ارائه پژوهش تقسیم کنیم، یکی از جذاب‌ترین این عرصه‌ها، استراتژی‌های پژوهشی است. امروزه در روش‌شناسی کیفی استراتژی‌های گوناگونی نظیر مطالعه موردی، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی و... وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این استراتژی‌ها، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. همان‌گونه که چارمز متذکر می‌شود، نظریه-پردازی داده بنیاد در دهه ۱۹۶۷، مقابل نگاه مسلطی که قائل بود مطالعات کمی، تنها شکل پژوهش علمی اجتماعی نظام‌منداست، ایستاد و در خط مقدم انقلاب کیفی و نقطه‌ای بحرانی در تاریخ علوم اجتماعی انجام وظیفه کرد و شاید اگر قابلیت‌های این روش نبود، امروزه نمی‌توانستیم شاهد بالندگی و شکوفایی پژوهش کیفی باشیم. امروزه نیز این روش‌شناسی یکی از پرطرفدارترین استراتژی‌های پژوهش کیفی است و هر روز نیز بر دامنه استفاده از آن افزوده می‌شود (چارمز، ۲۰۰۰).

ادبیات و پیشینه پژوهش

مرور ادبیات در بیشتر رویکردهای پژوهشی انجام می‌شود و هدف شناخت بیشتر مسئله موردنظر و ابعاد مسئله است. در روش کمی ادبیات تحقیق باید در مراحل اولیه مطالعه انجام شود، اما در روش کیفی ادبیات تحقیق ممکن است در طول پیشرفت مطالعه یا بعد از آن انجام شود. در نظریه داده-بنیاد باید به این نکته توجه داشت که مرور پیشینه نه گویای مفاهیم عمده و نه ارائه‌دهنده فرضیه-هاست. بلکه مرور پیشینه، نشانگر وجود شکاف یا نوعی سوگیری در دانش موجود است و در نتیجه خردمایه‌ای برای مطالعه فراهم می‌آورد (کرسول، ۱۳۹۱). به همین جهت توصیه می‌شود پژوهشگر تا حد امکان ایده‌ها و افکار خود را کنار بگذارد (کرسول، ۱۳۹۱). مرور پیشینه این سودمندی را دارد که در هنگام ارائه داده، ارجاعاتی به پیشینه می‌نماید تا حمایت بیرونی برای مدل نظری فراهم آورد (کرسول، ۲۳۱۰۱۳۹۱). پیشینه تخصصی به عنوان مأخذی از داده‌های بیشتر خواننده می‌شود تا با داده‌های به‌دست‌آمده موجود مقایسه شود. این کار سطح نظری را ارتقا داده و ساخت تعاریف را بهبود می‌دهد. در این قسمت به برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی اشاره می‌شود. تحقیق انجام

شده توسط فرخ‌برزیده و همکاران (۱۳۹۷) در ایران در زمینه طراحی الگوی هویت در قضاوت‌حسابرسی با استفاده از نظریه‌پردازی زمینه بنیان که داده‌های پژوهشی در خصوص گستره مفهومی، ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر هویت در قضاوت حسابرسی، راهبردهای مربوط به پدیده و پیامدهای برجستگی هویت حرفه‌ای در قضاوت حسابرسی در این تحقیق بررسی و تحلیل شده است. می‌توان شاهد بود که توانایی پاسخگویی به ذینفعان در خصوص نحوه قضاوت حسابرسی، توانایی دفاع و پشتیبانی از مستندات و شواهد گردآوری شده توسط حسابرسان افزایش یابد. در سطح کلان نیز اثرات مثبتی همچون ارتقای سطح شفافیت، افزایش فرهنگ پاسخگویی مدیران، ارتقای انضباط مالی، مبارزه اثربخش با فساد مالی و پول شویی را به دنبال خواهد داشت. حسابرس دارای ماهیتی پیچیده و چندبعدی است. به عبارت دیگر علاوه بر هویت حرفه‌ای حسابرس که دقیقاً به فرد حسابرس و مؤسسه حسابرسی مربوط است، هویت صاحبکار، دولت و متولیان حرفه حسابداری و حسابرسی نیز در محیط قانونی که حسابرس و صاحبکار در آن مشغول به فعالیت هستند، تأثیر می‌گذارد. غلامرضا کرمی و سلمان بیک بشرویه (۱۳۹۶) تحقیقی در زمینه تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه انجام داده‌اند که به این موضوع پرداخت که در صورت لزوم پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه در ایران، چه راهبردهایی باید مدنظر قرار گیرد و در چه شرایطی (اعم از بستر و مداخله‌گر) راهبردهای یادشده باید اجرا شود و نتیجه موردانتظار آن چگونه است. این مدل که با استفاده از روش پژوهش تئوری داده‌بنیاد ارائه شد، می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای اشخاص و نهادهای ذیربط در پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی و به‌ویژه نظام ارزش‌های منصفانه در ایران و نیز، سازمان‌های حسابرسی و بورس و اوراق بهادار باشد. سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) طی مطالعه‌ای در زمینه تدوین الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران با استفاده از نظریه‌پردازی زمینه بنیان، جامعه آماری این تحقیق را، خبرگان صاحب‌نظر در خصوص پدیده صورت‌های مالی متقلبانه در نظر گرفتند که با توجه به هدف تحقیق، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه انتخاب شدند. پس از انجام ۱۱ مصاحبه با خبرگان، داده‌های جمع‌آوری شده به اشباع رسید و نیازی به مصاحبه جدید نبود. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) استفاده نمودند که پیامدهای عملی این تحقیق، در سطح صورت‌های مالی، بیش‌نمایی دارایی‌ها، بیش‌نمایی درآمدها، کم‌نمایی بدهی، کم‌نمایی دارایی، افشای نامناسب و سلب اعتماد و اتلاف منابع اقتصادی بودند.

بی‌تأثیر و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیق انجام‌شده در دانشگاه تهران، که هدف از این پژوهش، ارائه مدلی برای کیفیت حسابرسی، با توجه به ویژگی‌های محیطی و شرایط حاکم بر حرفه حسابرسی کشور می‌باشد. در این رابطه با توجه به رویکرد اکتشافی تحقیق و از آنجاکه حرفه حسابرسی در ایران از منظر محیط حقوقی، سازوکار نظارتی، اندازه مؤسسات و... دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد،

در این تحقیق از روش تحقیق کیفی و رویکرد مبتنی بر نظریه پردازی زمینه بنیان استفاده شده است. به این منظور با اخذ نظرات خبرگان حرفه حسابرسی و بازار سرمایه، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی پرداخته شده و در انتها "مدل یکپارچه کیفیت حسابرسی"، شامل شرایط علی، عوامل مداخله گر و بستر و همچنین راهبردهای مربوط به کیفیت حسابرسی و پیامدهای آن‌ها ارائه گردیده است. در این تحقیق، کیفیت حسابرسی با رویکرد سیستمی، بررسی شده است. در این دیدگاه، کیفیت ورودی‌ها، فرآیند و خروجی‌های حسابرسی، تعیین کننده کیفیت حسابرسی می‌باشد و کیفیت تمام اجزای سیستم، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق شش بعد از کیفیت حسابرسی که عمدتاً بر مسائل اخلاقی تأکید داشت را مشخص نمود که عبارتند از: اعتبار شخصی، استقلال حسابرس نسبت به مدیریت شرکت، وضوح گزارش درباره موضوعات مورد علاقه اعتباردهندگان و سهامداران، دانش نسبت به صنعت، وفاداری به سهامداران اقلیت و گرایش به تردید حرفه‌ای حسابرس نسبت به صاحب کار.

محمدکریم سرور و کری هاول^۱ (۲۰۱۳) تحقیقی در مورد حاکمیت شرکتی در بانکداری مصری با استفاده از رویکرد گزند تئوری انجام دادند که پیامدهای عملی این تحقیق، شناسایی عوامل ساختاری در CG (شرکت‌های دولتی) در بانکداری مصری است، فرآیندهای مربوط به تغییرات آن و پیامدهای تعامل میان این مناطق، سیاست‌گذاران را با درک عمیق که برای اصلاحات حکومتی مؤثر لازم است، فراهم می‌سازد. از طریق یادداشت‌ها، برنامه‌نویسی و طبقه‌بندی، روابط بین تئوری و عمل اساسی بیان می‌شود.

هونگ وی هی و جان بالمر^۲ (۲۰۱۱) در تحقیقی در خصوص ایجاد یک مشارکت نظری در مورد تشخیص مدیران ارشد سازمانی و رابطه آن‌ها با استراتژی شرکت از نظریه گزند تئوری استفاده کردند و به این نتیجه دست یافتند که تمایل استراتژی شرکت‌های بزرگ نسبت به درک مدیریت سازمان از اهمیت برخوردار است. به لحاظ نظری، مطالعه نشان می‌دهد که شناخت مدیران ارشد از رابطه استراتژی شرکتی، متضاد و پویا در طبیعت است و علاوه بر درک روانشناسی مشتریان و سایر ذینفعان، روانشناسی مدیران ارشد نیز بسیار مهم است. لاریس افون البرتی و خالدون الاتبیات^۵ (۲۰۱۰) تحقیقی در خصوص ارائه یک گزارش شخصی و انعکاسی از اعمال نظریه گزند تئوری، به ویژه رویکرد گلیرز، در تحقیقات حسابداری انجام دادند. این تحقیق به دنبال ارائه بینش بیشتر به استفاده از رویکرد تئوری مبتنی بر زمینه‌ای، از طریق نشان دادن تجربیات شخصی نویسندگان با

1Kerry Howell

2.HongWei hee

3John Ballmer

4larissa von alberti

5KhaldoonAlatbiat

استفاده از آن است. این تلاش برای برجسته کردن این تئوری و مشکلات آن، همچنین هر تلاش برای غلبه بر مشکلات آن، از دیدگاه ذهنی درک شده است. و اسیلی جوانیدزو نیکلاس برلند^۲ (۲۰۰۸) در تحقیقی در خصوص ارائه یک تفسیر در مورد سازگار باقی ماندن با روش؟ با یک تحلیل گزندتئوری در حسابداری دریافتند که نویسندگان تنوع زیادی در استفاده از روش‌های نظریه مبتنی بر زمینه‌ای دارند و راه‌های بسیاری وجود دارد جهت نشر مقالات و مطابق با روحیه تئوری مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، سؤالات تحقیق، روش‌ها و معیارها یا ثبات‌پذیری را پیشنهاد کردند. برای نمونه نویسندگان از تحقیق گو دارد، نتیجه‌های مختلفی را به دست آوردند. پیامدهای عملی این تحقیق چهار کانون نظریه پایه‌ای می‌تواند به‌عنوان قواعد روش مورد استفاده قرارگیرد. بر این اساس، محقق آزاد است که تکنیک‌ها و روش‌های خود را توسعه دهد. براسگارد^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی ریشه‌های فکری تئوری مبتنی بر هدف، با هدف تجزیه و تحلیل قاعده روش استفاده شده در تحقیقات گزندتئوری در حسابداری پرداخته است که حدود ۲۳ مقاله شناسایی و تجزیه و تحلیل شده است. برخی محققان حسابداری که از تئوری زمینه‌ای برای تحقیق در این پژوهش استفاده کرده‌اند، کانون‌های اصلی تئوری مبتنی بر گلایزر و استراوس را درک کرده و آن را به کار برده‌اند. اکثراً ادعا می‌کنند که روش خاص استراوس و کوربین را پیگیری کنند، اما تحقیقات منتشر شده بیانگر محدودیت روش است. انکرک^۴ و وناستادن^۵ (۲۰۰۱) در تحقیقی با استفاده از رویکرد گزندتئوری به بررسی در مورد تجارت الکترونیک به منظور نشان دادن استفاده و محدودیت‌های بالقوه آن در تحقیقات حسابداری پرداخته‌اند. تئوری زمینه‌ای، مفاهیم نظری مرتبط را از داده‌ها بیرون می‌آورد و به این ترتیب منجر به کشف می‌شود. تئوری زمینه‌ای با در نظر گرفتن "همه به‌عنوان داده‌ها" از یک رویکرد عملی، ترکیبی از داده‌های کیفی و کمی و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها برای تشویق درک غنی از وضعیت استفاده می‌کند. این امر کشف تئوری را به‌جای تأیید نظریه موجود امکان می‌دهد.

لیپارکرو^۶ بتروفی^۷ (۱۹۹۷) در تحقیقی به نام بازبینی نظریه زمینه‌ای و واقعیت روزمره حسابداری و مدیر، پرونده حسابداری و تحقیقات مدیریت را از دیدگاه تئوری پایه تجدید می‌کند و از برنامه آگاهانه و مکرر آن حمایت می‌کند. پایه‌های فکری و اصول کلیدی تئوری مبنایی را در زمینه پیش‌فرض‌های نظری محققان و ویژگی‌های روش‌شناختی بررسی می‌کند که در رابطه با طرح طبقه‌بندی لافلین

1 Vassili Joannides

2 Nicolas Berland

3 Brass Guard

4 Ann Kirk

5 Van staden

6 Lee Parker

7 Bett Ruffy

(۱۹۹۵) مورد بررسی قرار گرفته است. توجه به مفروضات و روش‌های تئوری زمینه‌ای را در رابطه با سایر پارادایم‌های تفسیری مانند تعامل‌گرایانه نمادین و هرمنوتیک مورد توجه قرار می‌دهد. اصول اساسی و روش‌های تحقیق مبتنی بر نظریه را شرح می‌دهد و برنامه‌های کاربردی بالقوه را به عرصه‌های حسابداری و مدیریت ارجاع می‌دهد. استدلال می‌کند که تحقیقات دقیق نظریه پایه‌ای می‌تواند ادبیات حسابداری و مدیریت را منحصربه‌فرد ارائه دهد.

نظریه زمینه‌بنیان

کشف تئوری در پژوهش‌های علوم اجتماعی بر اساس گردآوری نظام‌مند داده‌ها... برای رسیدن به مرحله‌ای از شناخت از موضوع مورد مطالعه که ما را قادر می‌سازد نظریه‌ای را که براساس داده‌های واقعی ساخته‌ایم با نظریه‌های موجود مقایسه کنیم... (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نشان‌دهنده همان عملی است که بسیاری از پژوهشگران، در هنگام مرور گذشته انجام می‌دهند؛ آن‌ها برای سازگار شدن با داده‌ها، فرضیه‌های جدیدی شکل می‌دهند. با این حال، در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، پژوهشگر وانمود نمی‌کند که فرضیه‌ها را پیشاپیش تدوین کرده است؛ زیرا پژوهشگران از فرضیه‌های از پیش شکل‌گرفته، منع می‌شوند. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک روش شناسی استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد، در حالی که به‌طور هم‌زمان، پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی داده‌ها محکم می‌سازد (فرناندز؛ ۲۰۰۴). به کمک تئوری ساخته‌شده می‌توان فرضیه‌هایی تدوین کرد که پژوهش‌های بعدی به آزمون آن‌ها بپردازند. گرنددتئوری نه برای آزمون فرضیه که روشی برای تولید آن است. استراوس و کوربین (۱۹۹۸ و ۱۹۹۰) به معرفی رویه‌های تولید استقرایی نظریه در روش کیفی با اتکا به بررسی دقیق و منظم داده‌ها پرداختند. روش داده‌بنیاد روش استقرایی برای نظریه‌پردازی و نظریه‌گستری است که نظریه تدوین‌شده برخاسته از داده‌هایی است که به شکل نظام‌مند و هم‌زمان گردآوری و تحلیل می‌شوند. نظریه‌پردازی زمینه بنیان روشی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

تشریح ساده و صحیح روشی که به صورت زنجیره‌وار، تعاقبی، هم‌زمان، با خوش‌اقبالی و زمان‌مند روی می‌دهد کار پرچالشی است (گلیزر، ۱۹۹۸). از همین جهت است که شاید جملاتی برای خواننده نامفهوم به نظر رسد و یا حتی بدون توجه و درک عمیق، از آن بگذرد؛ بنابراین درک حداقلی این روش، مستلزم رفت و برگشت و مطالعه چندباره بخش‌های مختلف متن حاضراست. همان‌گونه که در جمله گلیزر مشهوداست، نمی‌توان برای روشی که بسیاری از روال‌های آن هم‌زمان صورت می‌گیرد و در بیشتر اوقات متضمن رفت و برگشت‌های بسیار است، مرحله‌بندی فائل شد. در پژوهش

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، نظریه موردنظر، یک نظریه فرآیندی است (کرسول، ۲۰۰۵). اگرچه نظریه-پردازان داده‌بنیاد ممکن است یک تک‌ایده (برای مثال، مهارت‌های رهبری) را هم مورد تحقیق قرار دهند، ولی آن‌ها اغلب یک فرآیند را بررسی می‌کنند؛ زیرا جهان اجتماعی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مستلزم این است که افراد با یکدیگر تعامل داشته باشند. در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به تولید فهمی از یک فرآیند که به موضوعی خرد و واقعی مربوط است، مبادرت می‌ورزند. در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک فرآیند، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع است (کرسول، ۲۰۰۵). در این روش با استفاده از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد که این نظریه، یک فرآیند یا پدیده را تبیین می‌کند. استقرا محور اصلی در نظریه‌پردازی زمینه-بنیان است. در یک توصیف ساده می‌توان گفت که گلیزر و استراوس به رویکرد اثبات‌گرایی و قیاسی رایج زمان خود به شکلی وارونه نگریستند. به بیان دیگر، آنان تحلیل کیفی را مقدم بر تحلیل کمی و تولید نظریه را مقدم بر آزمون آن دانستند. رویکرد کیفی این دو پژوهشگر فرصتی برای آنان فراهم آورد که به مطالعه پدیده‌های پیچیده‌ای که با روش‌های کمی قابل بررسی نبودند، بپردازند.

نظریه داده‌بنیاد یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جز به کل است. این گونه خلق نظریه، قفسه‌ای و کتابخانه‌ای نیست بلکه بر اساس داده‌های مشارکت‌کنندگان که فرآیندی را تجربه کرده‌اند، ایجاد می‌شود. در تعریفی دیگر نظریه داده‌بنیاد را یک روش استقرایی رفت و برگشتی، تعاملی و مقایسه‌ای برای ایجاد یک نظریه می‌داند. یعنی نظریه داده‌بنیاد بین گردآوری داده‌ها و مفهوم‌سازی در حال رفت و برگشت و اصلاح است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). نظریه داده‌بنیاد یک شیوه استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارش نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد. درحالی‌که به‌طور هم‌زمان پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی محکم می‌سازد. از دیدگاهی دیگر نظریه داده‌بنیاد، روالی نظام‌مند کیفی است، برای تولید نظریه استفاده می‌شود تا نظریه‌ای تولید کند که یک فرآیند، یک کنش یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع واقعی در یک سطح مفهومی کلی تشریح کند. منظور از استقرایی بودن نظریه داده‌بنیاد این است که در این روش به آزمودن فرضیه پرداخته نمی‌شود، بلکه نظریه تدوین‌شده در نتیجه گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها روییده و زاینده می‌شود. نظریه داده‌بنیاد به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین‌شده خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام نماید.

واژه گرد در این موضوع نشانگر آن است که هر نظریه و گزاره‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان نهاده شده است. درواقع گرد راهبردی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که قبلاً در مورد آن‌ها

پژوهش جامع و عمده‌ای نشده و دانش ما در آن زمینه محدود است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). در حوزه نظریه داده‌بنیاد باید به این نکته توجه داشت که مرور پیشینه نه گویای مفاهیم عمده و نه ارائه‌دهنده فرضیه‌هاست، بلکه مرور پیشینه نشانگر وجود شکاف یا نوعی سوگیری در دانش موجود است و در نتیجه فقط مایه‌ای برای مطالعه فراهم می‌آورد. به همین جهت توصیه می‌شود پژوهشگر تا حد امکان ایده‌ها و افکار خود را کنار بگذارد. مرور پیشینه این سودمندی را دارد که در هنگام ارائه داده، ارجاعاتی به پیشینه می‌نماید تا حمایت بیرونی برای مدل نظری فراهم‌آورد. در پژوهش نظریه-پردازی داده‌بنیاد، نظریه موردنظر، یک نظریه فرآیندی است. اگرچه نظریه‌پردازان داده‌بنیاد ممکن است یک تک‌ایده (برای مثال، مهارت‌های رهبری) را هم مورد تحقیق قراردهند، ولی آن‌ها اغلب یک فرآیند را بررسی می‌کنند؛ زیرا جهان اجتماعی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مستلزم این است که افراد با یکدیگر تعامل داشته باشند. در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به تولید فهمی از یک فرآیند که به موضوعی خرد و واقعی مربوط است، مبادرت می‌ورزند. در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک فرآیند، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع است (کرسول، ۲۰۰۵).

ویژگی‌های نظریه‌های تولیدشده از گزند تئوری (منصوریان، ۱۳۸۶):

پژوهشگر را قادر به توضیح و تشریح موضوع مورد مطالعه می‌سازد و امکان پیشگویی در مورد رخدادهای ممکن در زمینه پژوهش را فراهم می‌آورد. در پیشرفت مبانی نظری موضوع مورد مطالعه مؤثر است و در آن مشارکت می‌کند. علاوه بر مبانی نظری در زمینه‌های عملی موضوع مورد مطالعه نیز کاربرد دارد. رویکرد تازه‌ای برای نگرش به موضوع مورد مطالعه فراهم آورده و پژوهشگر را به مرحله‌ای از شناخت نسبت به داده می‌رساند که بتواند به داده گردآوری‌شده معنا و مفهوم ببخشد. پژوهش‌های آتی در زمینه موردنظر را تسهیل می‌نماید. از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد؛ یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این روش حرکت از جز به کل است. این روش یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده مورد نظر ایجاد کند. یافته‌های تحقیق دربرگیرنده تنظیم نظری واقعیت تحت بررسی است نه یک سلسله ارقام یا مجموعه‌ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند. هدف آن ساختن و پرداختن نظریه‌ای است که در زمینه مورد مطالعه صادق و روشن‌گر باشد. این روش پژوهش بر سه عنصر: مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها استوار است. مراحل اجرای پژوهش به شیوه گزند تئوری (لیوهمکاران، ۲۰۱۷):

تدوین پرسش‌های پژوهش

گردآوری داده‌ها

کدگذاری داده‌ها در سه مرحله

- کدگذاری باز

- کدگذاری محوری

- کدگذاری انتخابی

نوشتن یادداشت تحلیلی (ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از داده‌ها)

نگارش و تدوین نظریه

ابزارهای گردآوری اطلاعات در گردن‌تئوری

مصاحبه، مشاهده، گفت‌ووشنودها، اسناد، پیشینه‌ها و پیمایش، عکس و فیلم، یادداشت‌های پژوهشگر، یادداشت‌های شرکت‌کنندگان و ترکیبی. رهیافت‌های تحلیل داده‌ها در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد:

(لیوهمکاران، ۲۰۱۷)

- رهیافت نظام‌مند: که با اثر کوربین و استراوس شناخته می‌شود.

- رهیافت ظاهرشنونده: که مربوط به اثر گلیزر است.

- رهیافت ساخت‌گرایانه: که توسط چارمز پشتیبانی می‌شود.

- رهیافت پست‌مدرن: که توسط آدل کلارک شناخته شد.

روش نمونه‌گیری: نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان مانند انواع دیگر پژوهش‌های کیفی متکی بر تصورات معرف بودن نمونه آماری برای تعمیم‌پذیری داده‌ها و اصالت یافته‌ها نیست و عموماً نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب می‌شوند (اسپرینگر، ۲۰۱۰). در طی فرآیند تحقیق از فرآیند نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود. نمونه‌گیری نظری، به‌عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که دربرگیرنده جمع‌آوری داده‌های مداوم برای خلق نظریه است، به‌گونه‌ای که تحلیل قبلی بر نحوه تصمیم‌گیری درمورد این - که چه داده‌هایی باید جمع‌آوری شود اثر می‌گذارد. این روش نظری است، چون از طریق الگوی در حال تکوین راهنمایی می‌شود. نمونه‌گیری نظری درواقع یکی از ویژگی‌های اساسی نظریه‌پردازی زمینه بنیان است. داده‌هایی که توسط نظریه‌پرداز داده‌بنیاد برای تشریح فرآیندها جمع‌آوری می‌شود، شامل انواع بسیاری از داده‌های کیفی است؛ ازجمله مشاهدات، گفت‌ووشنودها، مصاحبه‌ها، اسناد دولتی، خاطرات پاسخ‌دهندگان و مجلات و تأملات شخصی خود پژوهشگر (کرسول، ۲۰۰۵، چارمز، ۲۰۰۰). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در نمونه‌برداری هدفمند افراد برای مصاحبه یا مشاهده، از نگرشی منحصره‌فرد حمایت می‌کند که آن را از دیگر رهیافت‌های کمی و کیفی به جمع‌آوری داده‌ها متمایز می‌سازد. از سویی برخلاف نمونه‌برداری انجام‌شده در بررسی‌های کمی، نمونه‌برداری نظری نمی‌تواند قبل از شروع مطالعه و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، برنامه‌ریزی شود و تصمیمات خاص نمونه‌برداری در خلال فرآیند پژوهش شکل می‌گیرند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۹). هشت راهبرد برای اعتباریابی پژوهش‌های کیفی از جمله پژوهش داده‌بنیاد (کرسول و میلر، ۲۰۰۰) عبارتند از مشارکت و مشاهده

مصراغه در میدان مطالعه، همه‌جانبه‌گرایی، مرور یا بازخورد همتایان، تحلیل موارد منفی، تصریح سوگیری پژوهشگر از آغاز مطالعه، کنترل اعضا، توصیف پرمایه و غنی و ممیزان بیرونی. ملاک‌های ارزیابی یک نظریه داده‌بنیاد خوب (گلیزر، ۱۹۷۸) شامل تطبیق: آیا مفاهیم از داده‌های بررسی شده تولید شده است و نظریه با عرصه واقعی که در آن استفاده می‌شود تطابق دارد؟ مناسبت عملی: آیا افراد غیر حرفه‌ای آن را درک می‌کنند؟ این موضوع را می‌توان این‌گونه نیز بازگو نمود که نظریه نباید تنها ناشی از علایق دانشگاهی باشد، بلکه باید به نگرانی‌های واقعی شرکت‌کنندگان بپردازد. قابلیت تعمیم: آیا نظریه چنان تولید شده است که تغییر شرایط مختلف را دربربگیرد؟ آیا شرایط کلان‌تری که ممکن است بر پدیده مورد مطالعه اثرگذار باشد تشریح شده است؟ اصلاح‌پذیری: وقتی داده‌های جدیدی اضافه شود آیا امکان تغییر وجود دارد؟

خلاصه و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی هدف عمده این نوع نظریه‌پردازی تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی (مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها) آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر درون بستر و فرآیند آن پدیده است. ملاک ارزیابی یک مطالعه به روش گردتئوری، به ارزیابی نظریه پیشنهادی آن متکی است و همچنین به شیوه‌هایی که منجر به تکوین آن شده است. در بیست سال گذشته، در تحقیقات مختلف معیارهای متفاوتی برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی از جمله تحقیقات مبتنی بر روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان ارائه شده است. همانگونه که سیل یادآور می‌شود، تلاش برای ایجاد معیارهایی جهت قضاوت درباره کیفیت مطالعات، کنترل‌نشده‌ی به نظر می‌رسد و البته توافق‌ها و همپوشی‌های زیادی بین این معیارها دیده می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۱۷).

منابع

- خیاط بهبهان، زهرا. (۱۳۹۹). رویکرد گزندتئوری در مطالعات حسابداری و حسابرسی. انتشارات آذرگان. چاپ اول.
- خنیفر، حسین. مسلمی، ناهید. (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. انتشارات نگاه دانش. چاپ دوم.
- حکمیان، حمید (رشته مدیریت پروژه و ساخت) hakamian@modares.ac.ir.
- کرمی، غلامرضا. بیک‌بشروی، سلمان. (۱۳۹۶). تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، صص ۵۹۶-۵۷۳.
- مشایخی، بیبا. مداحی، آزاده. مهرانی، کاوه. رحمانی، علی. (۱۳۹۲). تدوین مدل کیفیت حسابرسی. بورس اوراق بهادار، ۶(۲۳)، ۱۳۷-۱۰۳.
- استراوس، انسلم. کوربین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشرنی.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۷ الف). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: انتشارات دیدار.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۷ ب). روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت. دانش مدیریت، شماره ۸۱.
- لیکلی، نورمن. (۱۳۹۳). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی. ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات: سید محمدرضا حسنی، محمدتقی ایمان و سیدمسعود ماجدی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم. ۳۷۴ صفحه.
- دانایی‌فرد، حسن. امامی، مجتبی. (۱۳۹۲). استراتژی نظریه‌داده‌بنیاد در مطالعات سازمان و مدیریت. (فصل چهارم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). انتشارات صفار. چاپ دوم. ۲۷۶ صفحه.
- دانایی‌فرد، حسن. امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم-پاییز و زمستان. صفحه ۶۹ تا ۷۶ دلاور، علی. (۱۳۸۷). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.
- رنجبر، هادی. حق‌دوست، علی‌اکبر. صلصالی، مهوش. خوشدل، علیرضا. سلیمانی، محمدعلی. بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران. سال دهم شماره ۳ صفحات ۲۳۸ تا ۲۵۰.

- کرسول، جان. (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه: حسن دانایی‌فرد، حسین کاظمی. انتشارات صفار. ویرایش دوم. تهران. ۳۲۰ صفحه.
- Lee d, hoque Zahirul. Parker, mark a. covaleski. Haynes, kathryn (2017) the routledge companion to qualitative accounting research methods.
- Creswell, J. W., & Miller, D. L. (1111). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 93(9), 111-191.
- Creswell, John, W. Mixed (2007). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Methods Approaches*.
- Glaser, Barney, G. (1352). *Theoretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded Theory*. 1st Edition. The Sociology Press. 161 pages.
- Guba, E. G. (Ed.). (1331). *The paradigm dialog*. Sage Publications.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2((163-194).
- Lee, J. (2001). *A grounded theory: integration and internalization in ERP adoption and use*.
- Martin, P. Y., & Turner, B. A. (1986). Grounded theory and organizational research. *The Journal of Applied Behavioral Science*, 22(2), 141-157.
- May, K. A. (1986). Writing and evaluating the grounded theory research. report. In W. C. Chenitz & J. M. Swanson (Eds), *From practice to grounded theory*. (pp.146-154). Menlo Park, CA: Addison-Wesley.
- Neuman, w. L. (1997). *Social Research Method: Qualitative Approach*. Ally and Bacon. MA. USA.
- Pandit, N. R. (1996). The creation of theory: A recent application of the grounded theory method. *The qualitative report*, 2(4), 1-15.
- Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2009). *Research Methods for Business Students*. Research methods for business students